

مطالعه فهم ادراک شده زنان از اینستاگرام و کژکارکردهای آن در نهاد خانواده* (مورد مطالعه: زنان مطلقه شهر ایلام)

زهرا رضایی نسب**، علی فیض‌اللهی***، مریم کشاورز***

چکیده

عصر کنونی تحت هجومه و تاخت‌وتاز وسایل ارتباط جمعی مانند ماهواره، تلویزیون و به طور خاص اینترنت قرار گرفته است. افراد دیگر مثل گذشته خود را در محدودیت نمی‌بینند و بدون توجه به فاصله زمانی - مکانی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. رسانه‌های ارتباط جمعی و به طور ویژه اینترنت با ورود به خانواده‌ها باعث تغییرات گسترده در نقش‌ها و تکالیف مربوط به آنها و حقوق اعضا شده است. این تغییرات نشان دهنده تحولات در ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی شده و انتظارات نقشی را تغییر داده است. هدف از پژوهش حاضر درک، تعریف و تفسیر زنان مطلقه از شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر اینستاگرام است. پارادایم پژوهش حاضر تفسیری و روش انجام پژوهش از نوع پدیدارشناسی است. جامعه مورد مطالعه شامل تمامی زنان مطلقه شهر ایلام است و از ابزار مصاحبه عمیق برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. تعریف و معنای ذهنی زنان مطلقه از شبکه‌های اجتماعی مجازی در قالب ۳ مقوله «شبکه‌های اجتماعی مجازی به مثابه شکل دهنده سبک زندگی نوین»، «شبکه‌های اجتماعی مجازی به مثابه فضای کژکارکرد»، «ابزار کرختی فرهنگی» و روابط همسران قبل از ورود به این شبکه‌ها و از دید زنان مطلقه در قالب مقوله‌های «انسجام خانواده» و «عدم بحران در تمامیت نهاد خانواده» دسته‌بندی شد. در نهایت روابط همسران با ورود به فضای اینستاگرام با مقولات گسست از شبکه خویشاوندی، مشکلات مربوط به عاملیت، نمایش مصرف، استحاله نظام ارزشی دسته‌بندی شد.

واژگان کلیدی

زنان، پدیدارشناسی، اینستاگرام، شهر ایلام

*. این مقاله از پایان نامه دانشجویی با عنوان «مطالعه تجارب زیسته زنان مطلقه از شبکه‌های اجتماعی مجازی» استخراج شده است.

** استادیار گروه جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

(z.rezaeinasab@ilam.ac.ir)

*** استادیار گروه جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (a.feizolah@ilam.ac.ir)

**** دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (mkeshavarz376@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

۱- مقدمه و بیان مسئله

عصر حاضر عصر مطبوعات، رسانه‌های گروهی و ارتباطات است. دنیای کنونی ما عصر تاخت و تاز وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت است. از مهم‌ترین ویژگی‌های اینترنت ایجاد پیوندهای مناسب بین افراد در اقصی نقاط دنیا است. با نزدیک کردن ملت‌ها به همراه تقویت تعامل و روابط انسانی صحیح میان آنها، آرزوی دیرین بشر برای ایجاد آرمان شهری جهانی یا به عبارت دیگر جهانی شدن میسر خواهد شد (دیلمقانی، ۱۳۸۲). شبکه اینترنت همانند یک محل مجازی ملاقات عمومی شهروندان جهان است، یک نقطه تلاقی عمومی است که در آن میلیون‌ها نفر از بیش از ۱۶۰ کشور جهان با هم در ارتباط قرار می‌گیرند و سازمان عظیمی است که نظم آن از پیش تا حدودی تنظیم شده است. رسانه‌ها با تسخیر همه‌جانبه ابعاد زندگی انسان‌ها در سطح جهانی زمان و مکان را در هم نوردیده‌اند. از دیدگاه کارکردگرایان می‌توان برای ورود رسانه‌ها به جوامع دو نوع کارکرد مثبت و منفی قائل شد. کارکرد مثبت آن موجب گسترش آموزش و علوم و انتقال فرهنگ و تسریع در ارتباطات ... و کارکرد منفی آن موجب کمتر شدن روابط اجتماعی و خانوادگی افراد از نظر عاطفی و کاهش ارتباط تعاملی بین افراد جامعه، رواج فرهنگ خشونت ... و به تبع آن بحران‌ها و تعارضات بین جوانان و افراد خانواده می‌شود (آقابابی، ۱۳۹۹).

رسانه‌ها و خاصه اینترنت با ورود به خانواده همه نوع روابط، حقوق و تکالیف مربوط به نقش‌ها و ... را تغییر می‌دهند. تغییرات محسوس در نقش‌ها و تکالیف و انتظارات افراد در خانواده‌ها نشان می‌دهد که ورود رسانه‌ها بر فرهنگ و ارزش‌ها و هنجارهای موجود تأثیر گذاشته است و انتظارات نقش‌ها را در خانواده دگرگون نموده است. پیام‌هایی که از رسانه‌ها پخش می‌شود، گاه در تعارض با ارزش‌ها و هنجارهای موجود در خانواده قرار می‌گیرد و موجب سر برآوردن چشم‌داشت‌هایی می‌شود که طرف مقابل از نظر فرهنگی و تربیتی قصد برآورده نمودن آن را ندارد، زیرا پذیرش انتظارات جدید طرف مقابل و عمل به آنها را به نوعی زیر سؤال بردن ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده‌ی خود می‌داند و آنها را در تقابل با فرهنگ خود می‌بیند که این امر خود می‌تواند زمینه‌ساز بروز بحران‌های خانوادگی شود (گونتر و مک آلر، ۱۳۸۴). نتایج نظرسنجی ملی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) که در روزهای ۱۷ و ۱۸ تیر سال ۱۳۹۸ به صورت تلفنی و با جامعه آماری شهروندان کل کشور (اعم از شهر و روستا) انجام شده است، نشان می‌دهد ۷۰ درصد مردم ایران، حداقل از یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند. در رابطه با همین موضوع، یکی دیگر از نظرسنجی‌های ایسپا که در سال ۱۳۹۷ انجام شد، نشان داد که ۷۱ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله از تلگرام و ۴۹ درصد این جوانان از اینستاگرام استفاده می‌کنند. همچنین در

سال ۱۳۹۷، ۵۴ درصد مردان از تلگرام، ۲۸ درصد از اینستاگرام، ۲۴ درصد از واتس‌آپ و ۳ درصد نیز از پیام‌رسان سروش استفاده می‌کردند. در مورد زنان نیز باید اشاره کرد که ۵۸ درصد زنان از تلگرام، ۳۱ درصد آنها از اینستاگرام، ۲۷ درصد از واتس‌آپ و همچنین ۲ درصد از پیام‌رسان سروش استفاده می‌کردند.

اینستاگرام عنوان اپلیکیشنی است که کاربران خود را قادر می‌سازد به راحتی عکس‌ها و فیلم‌هایشان را با دیگر کاربران به اشتراک بگذارند و در واقع روایتی بصری از خود و هویتشان به دست دهند. ماهانه ۴۰۰ میلیون کاربر فعال در این فضا فعالیت دارند و محبوبیت زیادی به خصوص در میان زنان جوان دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). ذکر این نکته ضروری است که امروزه در بسیاری از گسست‌ها و نابسامانی در ارتباطات زوجین، رد پای شبکه‌های اجتماعی مجازی دیده می‌شود و این شبکه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل این نابسامانی‌ها در نظر گرفته می‌شوند که آمارهای مختلف از کشورهای جهان این موضوع را تأیید می‌کند.^۱ مطالعات مختلف در اقصی نقاط جهان بر این امر صحنه می‌گذارند که در اکثر نزاع‌های زناشویی که زوجین به مراکز مشاوره مراجعه کرده‌اند موضوع اصلی بحث رسانه‌های اجتماعی الکترونیکی و خیانت‌هایی است که زوجین در این فضاها نسبت به یکدیگر مرتکب می‌شوند. این تحقیقات نشان می‌دهند وقف زمان زیاد در شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب انحلال و تخریب زندگی زناشویی و همچنین بروز مشکلات روحی - روانی مانند افسردگی در افراد می‌شود. همچنین میزان طلاق و جدایی در افرادی که زمان زیادی را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند بیشتر از افرادی است که زندگی را بدون شبکه‌های اجتماعی تجربه می‌کنند (عربی، ۱۳۹۶). در کشور ایران پژوهش‌های مختلف از جمله کریمی و همکاران (۱۳۹۵)، عربی (۱۳۹۶)، رشید و همکاران (۱۳۹۸)، لطیفیان و همکاران (۱۳۹۶) و همچنین در استان ایلام پژوهش‌های خدا مرادی و همکاران (۱۳۹۳)، مؤمنی و زرین جوی الوار (۱۳۹۶)، رضایی نسب (۱۳۹۷)، مهر تأییدی بر تأثیر شبکه‌های مجازی بر تغییر ارزش‌های خانوادگی و در ادامه سست شدن روابط زن و شوهری است.

طی سال‌های اخیر با گسترش آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی، طلاق در بسیاری از استان‌های کشور رشد چشمگیری داشته است. یکی از این استان‌ها، استان ایلام است. در استان ایلام به عنوان جامعه‌ای سنتی، تحقیقات نشان می‌دهد که میزان دوام زندگی مشترک در چند سال اخیر، کمتر از متوسط کشوری است. در سال ۱۳۹۱ به طور متوسط، طول مدت زندگی مشترک در کشور

۷/۶ سال بوده که استان ایلام با میانگین ۵/۳ کمترین طول مدت دوام زندگی تا واقعه طلاق را در بین استان‌های کشور دارا بوده است (سپیدنامه و قیصریان، ۱۳۹۳: ۱۲۳). ایلام یکی از شهرهایی است که از ساختاری سنتی و فرهنگی قدیمی برخوردار است؛ اما طی سال‌های اخیر، ورود تکنولوژی، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تحولات جمعیتی از جمله: جوان بودن جمعیت، مهاجرت و ... چهره شهر را دگرگون کرده است؛ این تغییر و تحولات از ساختار فیزیکی و معماری شهر تا متحول شدن روابط اجتماعی (از ارتباطات چهره به چهره، رفت‌وآمدهای خانوادگی و محلی و ... تا بی‌تفاوتی اجتماعی و نا آشنا بودن همسایه‌ها با یکدیگر) را شامل می‌شود. در مورد انتخاب قشر زنان و به‌طور خاص زنان مطلقه نیز بایستی اشاره کرد که هر شرایطی برای کنشگران پیامدهایی را به همراه دارد. بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام شده در کشورهای مختلف، آثار و نتایج مخرب و زیان‌بار طلاق برای زنان بسیار سخت‌تر از مردان است. محققان دریافته‌اند که تعداد زیادی از زنان که انفصال و گسست خانواده را تجربه کرده‌اند، اضطراب، انزوا و تنهایی، افسردگی، در ماندگی را در خود گزارش داده‌اند (استوارت و همکاران، ۲۰۰۰ به نقل از کلاتری و همکاران، ۱۳۹۰). در جامعه ما نیز، از آنجا که زنان به‌واسطه جامعه‌پذیری، وابسته‌تر از مردان پرورش می‌یابند و به واسطه همین تربیت و جامعه‌پذیری، نسبت به خانواده مسئولیت‌پذیرتر و متعهدتر بار می‌آیند؛ در نتیجه با مطلقه شدن با موانع و مشکلات بی‌شمار مواجه می‌شوند که از پیامدهای عرضی طلاق است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع زمانی که زنان مطلقه با جامعه و شرایط آن برخورد می‌کنند، آن‌وقت روی دیگر سکه طلاق را می‌بینند و تحت فشارهای جامعه قرار گرفته و انواع برچسب‌ها به آنها زده می‌شود. بدین ترتیب مشکلات اقتصادی و همچنین فرهنگی طلاق برای زنان بیشتر است. هدف پژوهش حاضر مطالعه تجربه زیسته زنان مطلقه شهر ایلام از شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر شبکه اینستاگرام است. بر این اساس دو سؤال مهم مطرح خواهد شد: درک و تعریف زنان مطلقه شهر ایلام از شبکه مجازی اینستاگرام چگونه است؟ روابط خانوادگی و زناشویی از منظر این زنان قبل و بعد از ورود به فضای اینستاگرام چگونه بوده است؟ در استان ایلام می‌توان ادعا کرد که این تحقیق، اولین تحقیقی است که با رویکرد روشی عمیق و کیفی و آمیک به مسئله ورود شبکه اینستاگرام و تغییراتی که در نوع روابط خانوادگی به وجود آورده است، توجه دارد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های ارزشمند بسیاری در زمینه‌ی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و به طور خاص اینستاگرام در داخل و خارج از کشور انجام شده که هر کدام از زاویه و روشی خاص به مطالعه و بررسی این مسئله پرداخته‌اند. نکته مهم این است که در بسیاری از پژوهش‌ها محققین حوزه روان‌شناسی و از دید این رشته به مطالعه شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته‌اند. با توجه به اینکه هدف در پژوهش حاضر مطالعه تجارب زیسته و تحلیلی جامعه‌شناختی از مسئله است، از آنها صرف نظر شده است لیکن در تحقیق حاضر بر روی مطالعاتی که به‌طور خاص بر نهاد خانواده و تغییر ارزش‌های آن پرداخته‌اند، متمرکز شده‌ایم. در بسیاری از پژوهش‌ها تأثیرات این شبکه‌ها در گسست نهاد خانواده و تغییرات در سبک زندگی مدنظر بوده است برای مثال حسونند (۱۳۹۳) و بحرانی و همکاران (۱۳۹۸)، گنجی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش‌های جداگانه به اثرات شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد طلاق در شهر تهران و شادگان، شهرکرد و با روش تحقیق کمی انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد حضور بیشتر در شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث گرایش به سبک زندگی مدرن و غفلت از سبک زندگی سنتی خواهد شد. و بالعکس، اگر افراد در شبکه‌های اجتماعی، عضویتی نداشته باشند، بیشتر به سمت زندگی سنتی گرایش خواهند داشت. یا می‌توان به پژوهش فلاحی (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل کیفی و کمی اثرات شبکه‌های مجازی در ساختار و شکل خانواده» در شهر تهران اشاره کرد. روش انجام این پژوهش، آمیخته (کمی و کیفی) است. یافته‌ها حاکی از آن است صرف حضور و استفاده از تکنولوژی ارتباطی جدید، گسستی در نهاد خانواده ایجاد نمی‌شود لیکن از طریق شناخت کامل این تکنولوژی و رعایت و کنترل بر آنها، اتفاقاً حمایت‌های جانبی از طریق این فضا قابل وصول است. همچنین نوع استفاده این کاربران در فضای مجازی با احساس مربوط به تعلق خانوادگی، همبستگی معنی‌دار دارد. عباسی و جعفری (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان تأثیر کنش‌های اینستاگرامی سلبریتی‌ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی با روش کمی-پیمایشی نشان دادند کنش‌های سلبریتی‌ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی یعنی الگوی مصرف، نوع پوشش، اوقات فراغت، مدیریت بدن و... تأثیرگذار است. در تحقیقات خارجی نیز روجویی (۲۰۱۲) و همچنین گال و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش‌های خود به این امر پرداختند که شبکه‌های اجتماعی مجازی منبع فشار اجتماعی بر روی زوجین جوان هستند. البته در تحقیق گال، از یک‌سو، رسانه‌های اجتماعی منبع دریافت حمایت هستند، درحالی‌که از سوی دیگر عامل درگیری‌ها و برخی احساسات منفی در بین زوج‌ها هستند. پژوهش جهاندار لاشکی، حسینی و کاکابازایی (۲۰۲۰) با عنوان ارزیابی و تبیین پیش‌بینی نقش نگرش نسبت به خیانت

به دلیل مصرف رسانه‌ای با واسطه‌گری نگرش ناکارآمد، تعارضات زناشویی و رضایت جنسی و با روش کمی نشان داد که مصرف رسانه به طور مستقیم و غیرمستقیم و از طریق نگرش‌های ناکارآمد، تعارضات زناشویی و رضایت جنسی بر نگرش نسبت به خیانت تأثیر می‌گذارد. پژوهش صباغ و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده فرسودگی زناشویی بر اساس وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تفاوت‌های زنان و مردان متأهل با روش کمی نشان داد بین فرسودگی زناشویی و میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش مهمی در بروز فرسودگی زناشویی دارد. وکاسی و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر فعالیت‌های آنلاین بر روابط عاشقانه به این موضوع اشاره می‌کنند که امروزه رسانه‌های اجتماعی نقشی کلیدی در شکل‌گیری، حفظ و از بین بردن روابط عاشقانه ایفا می‌کنند. نتایج نشان داد که تغییرات در وضعیت رابطه را می‌توان از طریق تغییر استفاده از اینستاگرام تشخیص داد. ویژگی‌های فعالیت اینستاگرام در ابتدا و در پایان یک رابطه به طور قابل توجهی متفاوت است. علاوه بر این، با استفاده از تحلیل خوشه‌ای مشخص شد که حسادت و رضایت از رابطه، پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی فراوانی پست‌ها هستند. در مجموع، الگوهای فعالیت اینستاگرام به شدت تحت تأثیر روابط عاشقانه بود. بررسی پژوهش‌های صورت گرفته نشان داد که بیشتر تحقیقات انجام شده در این زمینه در کلان شهرها انجام گرفته است. لذا در این پژوهش درصدد هستیم تجارب زیسته زنان مطلقه در شهر ایلام در این زمینه را مورد توجه قرار دهیم. بر این اساس پژوهش حاضر که با استفاده از پارادایم کیفی و مشارکت زنان دارای تجربه‌ی استفاده از شبکه مجازی اینستاگرام و تأکید بر استفاده‌کنندگان از شبکه مجازی اینستاگرام انجام شده است، در نوع خود منحصر به فرد است.

۳- ملاحظات نظری

پژوهشگران کیفی استفاده از یک چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده را برای مطالعه مضر تلقی می‌کنند و بر این باورند که این امر پژوهشگر را محدود می‌کند و باعث غفلت و نادیده گرفتن او از افراد مورد مطالعه و دیدگاه کسانی که تجربیات مستقیم در ارتباط با مسئله مورد نظر دارند، می‌شود. اما به هر حال، محققان از متون و ملاحظات نظری تنها به منزله منبع احتمالی ایجاد سؤال و به عنوان راهنمای نمونه‌گیری نظری استفاده می‌کنند (استروس و کوربین، ۱۳۹۰: ۴۷). هدف تحقیق پدیدارشناسی این است که حدود کلی تجارب زیسته ما یا یگانه جهان پیش‌روی ما را توصیف کند. بدین منظور، پدیدارهایی را توصیف می‌کند که عناصر سازنده این تجربه هستند، اما

پدیدار عبارت است از چیزها، آن گونه که به آگاهی انسان داده می‌شوند (واعظی و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر نیز آنچه اهمیت دارد درک، فهم و تجربه افراد مورد مطالعه از پدیده مورد نظر است. بنابراین به کارگیری نظریات و مفاهیم بیشتر در جهت طرح سؤالات و ایجاد حساسیت نظری در محققین طرح شده است. به همین دلیل رویکرد انتخاب شده در پژوهش حاضر پدیدارشناسی است. چرا که پدیدارشناسی تنها دانش حقیقی در مورد تجارب انسانی است که فقط از طریق کسانی حاصل می‌شود که جهانی خاص را تجربه کرده‌اند. بدین ترتیب در ادامه به چند مفهوم که در مصاحبه‌ها و ایجاد سؤالات به کار آمده‌اند و همچنین ارتباط نزدیکی با مسئله پژوهش داشته و از نظر تحلیلی بیشترین کاربرد را با پژوهش حاضر داشته است، پرداخته می‌شود.

یکی از این مفاهیم، مفهوم «کاشت» است که توسط گرینر مطرح شده است. گرینر معتقد است رسانه و به طور ویژه تلویزیون نقش بسیار اساسی در شکل دادن به نگرش، عقاید و رفتار انسان‌ها دارد. سایر نظریه‌پردازانی که به تأسی از گرینر از طرفداران این رویکرد به شمار می‌روند نیز معتقد به اثر طولانی مدت تلویزیون هستند. این تأثیر به صورت تدریجی و غیرمستقیم است اما به تدریج انباشته شده و به طرز معناداری عمل می‌کند. از نظر گرینر، تماشا و دیدن طولانی مدت این رسانه، باعث می‌شود گرایش‌های افراد منطبق و همچنین سازگار با پیام‌هایی که در تلویزیون نمای داده می‌شود، شکل بگیرد.

مفهوم دیگر، «جامعه شبکه‌ای» از کاستلز است. کاستلز فرهنگ مادی را در جهان امروز مهم می‌داند. این فرهنگ مبتنی بر تکنولوژی‌های اطلاعات سازمان می‌یابد. یک تحول و دگرگونی در این فرایند رخ می‌دهد و آن گذار از تکنولوژی مبتنی بر فرایندهای ارزان انرژی به تکنولوژی مبتنی بر درون داد ارزان اطلاعاتی است. این گذار از پیشرفت مخابرات و تکنولوژی میکروالکترونیک ایجاد شده است. از نظر او در ارائه تئوری در حوزه رسانه و جامعه باید گذشته را نیز مدنظر قرار داد، اما ذکر این نکته ضروری است که زمینه‌های اجتماعی و سیستم‌های ارتباطی نسبت به گذشته تفاوت دارد. اینجاست که بایستی در نظریه‌ها بازنگری اساسی صورت گیرد. تکنولوژی نمی‌تواند همه چیز را بر اساس ویژگی‌های مدنظر مخاطب تغییر دهد، بلکه تکنولوژی فقط یک پیشنهاد است. این جامعه است که باید آن را بپذیرد. در این صورت است که تحقق عینی می‌یابد. بدین ترتیب آینده ارتباطات دست بشر است نه فناوری و تکنولوژی (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۴). «تغییرات ارزشی» از مفاهیم مهم دیگر در پژوهش حاضر است. از نظر اینگلههارت صنعتی شدن و مدرنیته سبب تغییر در ارزش‌های سنتی به سمت ارزش‌های عقلانی شده است. هر چقدر جوامع فراصنعتی افزایش می‌یابند، تغییرات فرهنگی شروع به حرکت کردن در جهت‌های دیگر می‌کند. بدین ترتیب در

این مرحله تغییر جهت ارزش‌های سنتی به سمت عقلانی آهسته خواهد شد؛ در حالی که تغییر ارزش‌های بقا به سمت ارزش‌های خود اظهاری بیشتر نمایان می‌شود. این تغییر به آهستگی در طول انتقال از جوامع پیش از صنعتی به جوامع صنعتی در حال حرکت بود اما هنگامی که جوامع صنعتی به سمت فراصنعتی حرکت نمودند به روند مسلط تبدیل گردید (Inglehart: 20 & Welzel). از دیگر مفاهیم مرتبط با شبکه‌های مجازی، مفهوم «وابستگی» از دی فلور و بال روکیچ است. این دو معتقدند، شرط ضروری برای بروز اثرات، میزان وابستگی به برخی رسانه‌های ارتباطی است. کانال‌هایی که مردم برای کسب اطلاعات مهم به آنها مراجعه می‌کنند و نسبت به این مجاری احساس وابستگی دارند، توانایی بیشتری برای ایجاد اثرات دارد تا مجاری که تفاوتی با مجاری دیگر ندارد و اطلاعاتی که فراهم می‌کند فاقد اهمیت است (کوهن، ۱۳۷۸: ۳۷). بر اساس این رویکرد می‌توان وابستگی به رسانه‌ها را مطرح کرد، مصرف‌کنندگان رسانه‌ها با وابستگی به این سرگرمی‌های جدید و شبکه‌های اطلاع‌رسانی، زمان کمتری را به خانواده اختصاص می‌دهند و این موجب کاهش اهمیت خانواده نزد مصرف‌کننده رسانه می‌شود. بنابراین خانواده اعتبار و ارزش سابق را ندارد.

۷۰
بر اساس مفهوم «میمی‌ها» از ژوزف کاپلا (رسانه‌های سرایت دهنده) وسایل ارتباط جمعی ابزاری هستند که باعث نشر ایده‌ها و اشاعه آنها از طریق فرایند تقلید می‌شوند. منظور او از تقلید همان رفتاری است که بین دو نفر روی می‌دهد؛ تقلید یکی از دیگری. کاپلا نوعی تقلید رفتاری-ذهنی و همه‌گیر را مطرح می‌کند که موارد تقلید شده را با هویت دقیقشان در ذهن نداریم، بلکه نتایج آنها را مشاهده و آنها را در رفتار دیگران تجربه می‌کنیم. «میمی» نامی است که کاپلا بر این فرایند گذاشته است. میمی‌ها به وسیله رسانه‌های ارتباط جمعی به وجود می‌آیند. مدها و اصطلاحاتی که مردم از تلویزیون فرا گرفته‌اند همان میمی هستند. کاپلا معتقد است با گذشت زمان میمی‌ها جزئی از فرهنگ جوامع می‌شوند. بنابراین او در نظریه خود این نکته را گوشزد می‌کند که رسانه‌ها توانایی این را دارند که دیدگاه مخاطبان خود را نسبت به محیط تغییر دهند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۴۰). هابرماس با مفهوم «کنش ارتباطی» در این مورد بحث می‌کند که محیط اینترنت این فضا را فراهم کرده و شرایط حوزه عمومی را تا حدودی مهیا ساخته است. حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و کنش ارتباطی از طریق گفتگو تحقق می‌یابد. در فضای محیط‌های تعاملی اینترنت بحث «شرایط آرمانی سخن» مورد نظر هابرماس تحقق می‌یابد که می‌توان آن را بدین گونه مطرح کرد. هابرماس معتقد است که نیازهای اساسی یا اصیل معینی وجود دارد که تمامی افراد کاملاً آزاد، آنها را دارند و این نیازها توسط هر کس که صمیمانه وارد یک گفتگوی عملی شود، ضرورتاً کشف خواهد شد. با توجه به

این که در محیط اینترنت، به ویژه در محیط تعاملی اینترنت افراد به راحتی می‌توانند نیازهای خود را مطرح کنند و این طرح‌نیازها باعث شکل‌گیری نوعی فضای گفتگو و مباحثه می‌شود و در این مباحثه افکار جدیدی شکل می‌گیرد. هابرماس می‌افزاید روابط میان گویندگان و شنوندگانی که از توان ارتباط برخوردارند، موجب می‌شود تا یکی دیگر از کارکردهای گفتار که همان شیوه یا همان کاربرد زبان عادی تلفیق شده است، وارد عمل گردد و در کاربرد توصیفی زبان هر گفتار به نوعی در بردارنده قول صمیمیت یا صداقتی است که با آن گوینده احساسات و نیازها و نیت‌های درونی‌اش را برای شنونده ابراز می‌کند. درست در همین بعد است که گفتار، شنونده را به دنیای درونی احساس‌ها و انگیزه‌های گوینده و همین‌طور به ارزیابی صحت گفته‌های او می‌کشاند. این احساسات باعث می‌شود که روابط بین افراد صمیمی گردد تا نیازهای خود را بیان کنند و انرژی عاطفی خود را در این محیط به مصرف برسانند (قربانی، ۱۳۹۵: ۱۹-۱۸).

۴- روش پژوهش

درک، فهم و تعریف زنان مطلقه از شبکه‌های مجازی چندبعدی و متکثر است؛ این مطالعه بر اساس پارادایم کیفی^۱ و بر اساس روش پدیدارشناسی انجام شده است. پدیدارشناسی اساساً مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است. پدیدارشناسی به جهان، آن‌چنان‌که به وسیله‌ی یک فرد زیسته می‌شود، نه جهان با واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد، توجه دارد (سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷). جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمامی زنان مطلقه در شهر ایلام که تجربه استفاده از فضای مجازی^۲ با تأکید بر شبکه اینستاگرام است. در این مطالعه نمونه‌گیری از نوع هدفمند است. نمونه‌گیری هدفمند که به آن نمونه‌گیری غیر احتمالی، هدفدار یا کیفی نیز می‌گویند به معنای انتخاب هدفدار واحدهای پژوهش برای کسب دانش یا اطلاعات است. این نوع از نمونه‌گیری شامل انتخاب واحدها یا موردهای مورد پژوهش بر اساس هدف پژوهش و نه تنها به صورت تصادفی است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۰). معیار تعیین نمونه‌های تحقیق نیز اشباع^۳ داده‌ها بود که بعد از مصاحبه با ۱۵ مشارکت‌کننده یافته‌های پژوهش به اشباع نظری رسید. در مطالعه حاضر ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه عمیق است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مرحله‌ای کلایزی استفاده شده است. بر اساس روش کلایزی در مرحله اول، متن مصاحبه‌ها

1. Qualitative Paradigm

۲. بنابر صحبت‌های زنان مدت استفاده از انواع شبکه‌های اجتماعی مجازی در شبانه روز بین ۵ تا ۱۰ ساعت در متغیر بوده است.

3. saturation

پس از درج روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناخت کلی از آن حاصل شود. در مرحله دوم برای هر یک از متون، خلاصه تفسیری نوشته تا نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام شود. مرحله سوم، محقق برای استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداخت و در مرحله چهارم با تداوم مصاحبه‌ها، مضمون‌های قبلی تکامل یافت و گاه مضمونی جدید شکل گرفت. در مرحله پنجم برای دستیابی به معنای کلی متن و یافتن جوهره‌های اصلی، مصاحبه‌ها در چندین مرحله مرور شدند و توصیف‌های سازمان‌یافته نهایی استخراج شد. در مرحله ششم، خلاصه‌نویسی آغاز شد که همین امر گفتمان مرتبط با هر مصاحبه را برای تولید داده‌های کلیدی مشخص کرد و تم‌های نهایی که بازخوانی بیشتری با یکدیگر داشتند، سازمان‌دهی و مفهوم محوری آنها استخراج شد و در نهایت در مرحله هفتم، با شناسایی عبارات یا جملات مهمی که به تجربه زیسته از شبکه مجازی اینستاگرام مربوط می‌شد و با صورت‌بندی و خوشه‌بندی آنها در قالب مضامین مشترک میان همه مشارکت‌کنندگان پژوهش، ترکیب این نتایج در قالب توصیف و تحلیل پرمایه از شناخت ماهیت تجربه زیسته زنان مطلقه از شبکه اینستاگرام به اتمام رسید.

اعتبارپذیری به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارت است از درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که این پژوهش در آن انجام شده است. به این معنا که آنچه در یافته‌ها و نتایج تحقیق از سوی پژوهشگر ذکر می‌گردد، همانی باشد که در نظر پاسخگو بوده است. به‌منظور رسیدن به این امر لینکلن و کوبا به مواردی همچون تماس طولانی با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با هم‌تایان، تحلیل موارد منفی، کفایت مراجع و کنترل از سوی اعضا اشاره می‌کنند (حریری، ۱۳۹۰: ۶۶). در تحقیق حاضر مواردی مانند دقت در انجام کار و کنترل از سوی پاسخگویان در نظر گرفته شده است. همچنین در پژوهش حاضر برای رسیدن به معیار قابلیت انتقال^۱ نیز که معادل پایایی در پژوهش کمی است، از دو تکنیک مرسوم یعنی مقایسه‌های تحلیلی (رجوع به داده‌های خام جهت مقایسه و ارزیابی مقولات اصلی با این داده‌ها) و استفاده از نظرات سه متخصص در حوزه روش تحقیق کیفی بر مراحل مختلف کدگذاری استفاده شد.

جدول شماره ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

شرکت‌کننده	سن	تحصیلات	شغل	شغل همسر	تحصیلات همسر
۱	۲۸	کاردانی	خانه‌دار	آزاد	دیپلم
۲	۳۵	لیسانس	آرایشگر	کارمند	دیپلم
۳	۲۲	دیپلم	خیاط	راننده	دیپلم
۴	۳۴	لیسانس	فروشنده	کارمند	لیسانس
۵	۳۷	فوق لیسانس	خانه‌دار	کارمند	لیسانس
۶	۲۶	دیپلم	خانه‌دار	آزاد	دیپلم
۷	۲۷	لیسانس	معلم	کارمند	فوق لیسانس
۸	۳۲	کاردانی	خانه‌دار	آزاد	فوق دیپلم
۹	۳۵	فوق لیسانس	کارمند	کارمند	لیسانس
۱۰	۳۶	فوق لیسانس	کارمند	آزاد	فوق دیپلم
۱۱	۳۰	دیپلم	خانه‌دار	راننده	لیسانس
۱۲	۲۲	دیپلم	خیاط	آزاد	دیپلم
۱۳	۲۴	دیپلم	خانه‌دار	آزاد	دیپلم
۱۴	۲۷	لیسانس	آرایشگر	کارمند	فوق دیپلم
۱۵	۳۵	لیسانس	خانه‌دار	آزاد	لیسانس

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- معنی و تعریف ذهنی زنان مطلقه از اینستاگرام

معنی و تعریف ذهنی زنان مطلقه از اینستاگرام در شهر ایلام در سه مقوله «شکل‌دهنده سبک زندگی نوین» و «فضای کز کارکرد» و «بازار کرختی فرهنگی» دسته‌بندی شد که در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲- درک، تعریف و تفسیر زنان مطلقه از شبکه اینستاگرام

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد/مفهوم
به مثابه شکل دهنده سبک زندگی نوین	شمشیر دولبه	هم تأثیر مثبت و هم تأثیر منفی (۷)
		نابودی زندگی در صورت عدم شناخت (۴)
		ورود به فرهنگ ما بدون زیرساخت (۴)
	به مثابه تضعیف ارتباطات میان فردی	از بین بردن روابط مستقیم (۳)
		کمرنگ شدن صفا و صمیمیت (۳)
		سطحی شدن روابط (۵)
	به مثابه عامل تحول زیست جهان	عامل تغییر در زندگی (۳)
		تأثیر بر جنبه‌های شخصی (۴)
		تأثیر بر جنبه بیرونی و ارتباطی (۴)
	اشتراک دانش - اطلاعات	ابزار انتقال اطلاعات (۶)
		ابزار کسب دانش (۳)
	ابزار زیست مجازی	فضای درآمدزا (۳)
		ابزار ارتباط اجتماعی (۵)
		مکان چت و درد و دل (۴)
		ارتباطات جهانی و گسترده (۴)
به مثابه فضای کزار کارکرد	فضای آسیب‌زا	فضای اعتیادآور (۲)
		فضای ویرانگر و مشکل‌زا (۴)
	نقص حریم خصوصی	تخریب بنیان خانواده (۴)
		نشان دادن زندگی خود به دیگری (۲)
ابزار کرختی فرهنگی	بحران هویت	عیان کردن امور پنهانی زندگی (۲)
		گسترش ارتباطات با افراد ناشناس (۳)
		الگوبرداری از بیگانه (۲)
	تعارض متنی	تنهایی و انزوا (۳)
		دانلود محتوای نامناسب (۴)
		مغایرت محتوایی با فرهنگ خودی (۳)

۵-۱-۱- اینستاگرام به مثابه شکل‌دهنده سبک زندگی نوین

این مضمون از مضامین فرعی شمشیر دولبه، تضعیف ارتباطات میان فردی، عامل تحول زیست جهان، اشتراک دانش-اطلاعات، ابزار زیست مجازی استخراج شده است. مفهوم سبک زندگی که امروزه به یکی از مفاهیم بنیادی در تحلیل‌های اجتماعی تبدیل شده، یکی از حوزه‌های مهم مطالعاتی است که در سال‌های اخیر توجه تعداد زیادی از محققان اجتماعی را به خود جلب کرده است. سبک زندگی به معنی نحوه سامان‌دهی زندگی برای تحقق نیازها و خواسته‌ها با به کارگیری مجموعه‌ای از رفتارهاست. سبک زندگی هر فرد معرف بسیاری از ویژگی‌ها از جمله ارزش‌ها، محدودیت‌ها، قوانین و علاقه‌مندی‌های اوست. نکته‌ای که در اینجا باید به آن پرداخته شود این است که فرد برای انتخاب سبک زندگی خود کاملاً آزاد نیست و قید و بندها و محدودیت‌هایی دارد. همیشه انتخاب سبک زندگی صرفاً از سوی فرد صورت نمی‌گیرد بلکه گاهی این فشارها هستند که فرد را ناچار به گزینش می‌کنند. پس در اینجا می‌توان از شبکه اجتماعی مجازی (اینستاگرام) به عنوان یک عامل فشار مهم نام برد. چرا که باعث تغییر در سلیق، ارزش‌ها، نگرش‌ها، الگوی مصرف از دید نمونه‌های تحقیق شده‌اند. بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش به دلیل استفاده مداوم از این شبکه، گویی سبک زندگی نوینی در این خانواده‌های شکل گرفته که با سبک زندگی سنتی و قدیمی فرسنگ‌ها فاصله دارد. از منظر آنها الگوی خانواده قدیمی، دگرگون شده و گویی خانواده جدیدی متولد شده که در بسیاری از کارکردها دچار اختلال شده است. ارتباطات میان فردی در بین افراد و خانواده‌ها تضعیف و به عاملی برای تغییرات ارزشی تبدیل شده است. افراد در پی استفاده از اینستاگرام با هجوم زیادی از اطلاعات، دانش و آگاهی در زمینه‌های مختلف مواجه شده‌اند و این شبکه ابزاری برای زیست مجازی در این افراد شده است. شرکت‌کننده شماره ۵ در این باره می‌گوید:

«اینستاگرام فضایی که امروزه نقش پررنگی در زندگی‌ها دارد؛ رو جنبه‌های مختلف زندگی هم شخصی و هم بیرونی تأثیر می‌ذاره. ارتباطات درسته بیشتر شده ولی ظاهری هستن. به شدت درگیرش بودیم روزی چند ساعت درگیرش بودیم. با همسر از طریق همین اینستا آشنا شدم. البته این شبکه برای سرگرمی هم هستش، فیلم می‌بینیم، سفارشات اینترنتی می‌دیم، چت می‌کنیم...».

شرکت کننده شماره ۱۴ در این باره می گویند:

«اینستا فضایی سرگرم کننده و درآمدزا. فضای تفنن، سرگرمی برای پیر و جوان هست که باعث آگاهی بسیار گسترده می شود. فضایی برای گذراندن اوقات فراغت، تسهیل آموزش و استفاده همگانی...».

۵-۱-۲- اینستاگرام به مثابه فضای کژکار کرد

این مضمون از مضامین فرعی فضای آسیب‌زا و نقض حریم خصوصی شکل گرفته است. استفاده نادرست از شبکه اجتماعی اینستاگرام از دید مشارکت کنندگان در پژوهش تأثیرات منفی بر روابط اعضای خانواده داشته و بیشتر به عنوان یک فضای آسیب‌زا و کژکار کرد معرفی شده است. زنان مطلقه در صحبت‌های خود به نوعی این فضا را فضایی گسترده، افسارگسیخته و غیرقابل کنترل در نظر گرفته‌اند که جنبه‌های آسیب‌زای بسیاری به خصوص در روابط خانوادگی‌شان ایجاد کرده‌اند. اعتماد به این فضا، ویرانگری آن، نقض حریم خصوصی افراد در این صحبت‌ها بیشتر به چشم می‌خورد. از دید زنان این فضا کاملاً بی‌زمان است و هیچ‌وقت تعطیل نمی‌شود. همین بی‌زمانی باعث اختلال در کارکردهای خانواده شده است؛ وابستگی به این فضا، نظم زندگی‌شان را به هم زده است. همچنین بایستی اشاره کرد که حریم خصوصی حوزه‌ای از زندگی ما انسان‌هاست که ورود دیگران بدون دلیل منطقی نوعی تعرض به آن محسوب می‌شود. این در حالی است که از دید زنان حفظ این حریم در این فضا مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این امر باعث شده بسیاری از اطلاعات خصوصی و محرمانه افراد که زمانی به عنوان حریم خصوصی محسوب می‌شدند، به راحتی و به‌طور ناخودآگاه در اختیار و نمایش دیگران قرار گیرد. مشارکت کننده شماره ۱ در این باره می‌گوید:

«اینستاگرام فضایی هستش که فقط باعث اتلاف وقت می‌شه. چون سواد استفاده از آن وجود نداره. فضایی برای سرگرمی و دور شدن از فضای واقعی زندگی. چون قبلنا دورهمی‌ها یه صفای دیگه‌ای داشت ولی الان با آمدن این شبکه نه و تا حدی تخریب‌گر چون خیلی از اطلاعات خصوصی و پنهانی خانوادگی راحت میتونن در این محیط به اشتراک گذاشته بشن. به خاطر همین یه سوءتفاهم برا خودم هم پیش اومد...».

مشارکت کننده شماره ۷ در این باره می‌گوید:

«ویران کننده خانواده است، اینستاگرام تخریب کننده روابط بین زن و مرد هست. تا زمانی که آسیب به خانواده نرسه میتونه تا حدی خوب باشه... اما در کل به نظرم اینستا خیلی بی‌محتوا هستش و وقت آدم را می‌گیره چون خود من همین تجربه بد رو دارم...».

۵-۱-۳- کرختی فرهنگی

شبکه‌های مجازی به مثابه ابزار کرختی فرهنگی از زیر مقوله‌های بحران هویت و تعارض متنی استخراج شده است. با توجه به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش می‌توان این‌طور گفت که استفاده مداوم و طولانی مدت از شبکه اینستاگرام آسیب‌هایی در حوزه فرهنگی به دنبال دارد. آشنایی با انواع محرک‌ها و انواع مختلف رفتارهای اجتماع و اخلاقی، بمباران اطلاعاتی هجوم محتوای فرهنگی بیگانه، مفاهیم و الگوهای برساخته خود را به همراه دارد. زنان در این پژوهش به زیرمقوله‌هایی مانند بحران هویت و تعارض متنی اشاره کرده‌اند. این شبکه به عنوان فضایی بدون مرز در نظر گرفته شده است که روابط افراد در ابعاد مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فضایی که نشانگر گسستی عمده و اساسی در الگوهای فرهنگی، ارتباط، هویت، انزوای اجتماعی افراد است. در واقع تحت تأثیر این فضا، مقوله هویت گستره ارتباطات خود را جهانی می‌کند و از فرهنگ‌ها و پدیده‌های دور دست اثر می‌پذیرد و بر اثر این فعل و انفعالات تصور فرد از خود نیز دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. این شبکه زمینه آشنایی افراد با ارزش‌ها و الگوهای رفتاری جوامع و فرهنگ‌های دیگر را فراهم می‌کند و هویت نامشخص و متحولی را برای آنها به وجود می‌آورد. در اثر این ارتباطات فرهنگی کم‌عمق، تعارض متنی و محتوایی نیز روندی طبیعی به شمار می‌رود. پیوندهای اجتماعی موجه (از جمله پیوندهای خانوادگی)، تعهد به همسر و خانواده، اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی، ناموجه می‌شوند. بدین ترتیب نگرانی بسیاری از زنان مطلقه به بحران‌ها و سستی فرهنگی برمی‌گردد. چرا که از دید آنها با انتقال ارزش‌های فرهنگی ناسازگار با سنت‌ها، ریشه‌ها، معنی و ارزش‌های غایی ما، انسجام فرهنگی در جامعه کاهش پیدا می‌کند. چرا که به عنوان مثال بسیاری از این زنان از مشاهده عکس‌ها و فیلم‌ها و متن‌های نامتعارف با جامعه خودی در این فضا گلایه داشتند. مشارکت‌کننده شماره ۹ در این باره می‌گوید:

«فضایی که می‌تونه زمینه‌ساز فساد در محیط خانواده بشه و امروزه جنبه منفی اون خیلی پررنگ شده. همش تقلید و الگوبرداریه الان. آدم تو فضای اینستا در معرض فرهنگ‌های مختلفه و با ی حجم زیاد از اطلاعات روبه رو میشه که شاید مغایر با فرهنگ خودت باشه و بالاخره دیر یا زود همه اینا تأثیر خودش را می‌ذاره. نمونه‌اش همسر خودم که انتظارش از خیلی مسائل غیرواقعی شده...»

مشارکت‌کننده شماره ۱ در این باره می‌گوید:

«می‌تونی انواع محتواها حتی محتواهای غیر اخلاقی رو دانلود کنی. فضایی هستش که می‌تونه باعث جمع شدن ی عده دور هم بشه که اطلاعات عمومی یا خصوصی خودشون از عکس و فیلم و کتاب و... رو به اشتراک میذارن. فرصت تنهایی و ارتباط داشتن با افراد ناشناس بیشتر میشه...»

۵-۲- تجربه زیسته روابط همسران قبل از استفاده از اینستاگرام

از دیدگاه زنان مطلقه، روابطشان با همسران قبل از استفاده و ورود از فضای اینستاگرام با دو مقوله «انسجام خانواده» و «عدم بحران در تمامیت نهاد خانواده» در ارتباط است که در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳- روابط زن و شوهر قبل از ورود به اینستاگرام

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد/مفهوم
انسجام خانواده	تعامل/کنش متقابل مثبت	ارتباط عاطفی-احساسی بیشتر (۵)
		صحبت و گفتگوی بیشتر (۴)
		مشورت گرفتن از دیگران (۵)
		فاصله کمتر و کیفیت بهتر ارتباطات (۱۰)
	سرمایه اجتماعی بالا	اعتماد و عدم بدبینی (۳)
		عدم بدبینی (۳)
		همکاری و مشارکت (۴)
عدم بحران در تمامیت نهاد خانواده	پابندی به ارزش‌های سنتی	ویژگی مثبت شخصیتی همسر (۴)
		آگاهی کمتر (۵)
		افکار سنتی (۵)
		توقعات کم (۲)
	احساس امنیت	عدم استفاده از محتوای نامتعارف (۲)
		کمتر بودن ناراضی‌جویی جنسی (۲)
		زندگی آرام (۲)
		زندگی بدون تنش (۲)
		نبود ارتباط خارج از چارچوب ازدواج (۴)

۵-۲-۱- انسجام خانواده

این مقوله از زیر مقوله‌های تعامل یا کنش متقابل مثبت و سرمایه اجتماعی بالا به دست آمده است. ریشه اساسی برای تحکیم روابط افراد در درون خانواده، نظم و همبستگی درون آن است. خانواده‌هایی که از این نظم برخوردار باشند می‌توانند فردی با ثبات‌تر و متعهدتر به جامعه وارد کنند. انسجام در این تحقیق همان معنای وفاق را دارد و منظور از آن پیدایش و وجود اتفاق نظر و توافق در بین اعضای یک خانواده است. همین واژه موجب به هم پیوستگی و همبستگی اعضای خانواده می‌شود. زنان مطلقه در شهر ایلام معتقدند هنگامی که چه خود و چه همسرانشان از اینستاگرام استفاده نمی‌کردند، یا وقت کمتری به این فضا اختصاص می‌دادند؛ وضعیت انسجام در خانواده و رابط بین اعضایشان بسیار بهتر و با کیفیت‌تر بوده است. احساس با هم بودن، پیوند و تعهد عاطفی و روابط صمیمی با اعضای خانواده و با خویشاوندان و ارتباط با آنها بیشتر بوده است. فاصله و شکاف بین اعضای خانواده کمتر و بالعکس تعامل، کنش متقابل و گفتگو درباره مسائل و موضوعات مختلف در بین اعضای خانواده بیشتر بوده است. آنها در مورد نیازها و خواسته‌های مختلف خانواده و خودشان گفت‌وگو می‌کردند و کیفیت سرمایه اجتماعی خانواده بهتر بوده است. بدین ترتیب مقوله گفتگو و تعامل از زیرمقوله‌های مهم در ایجاد وضعیت انسجام در این پژوهش در نظر گرفته شده است که با دو جنبه مختلف شناختی و ارتباطی مد نظر است. در معنای شناختی، گفتگو تبادل اندیشه بین دو نفر یا بیشتر است. در معنای ارتباطی، بیانگر عملی است که در آن افراد فرصت می‌یابند تا با هم ارتباط برقرار کنند و یکدیگر را تجربه کنند. در خانواده‌های مدنظر، هنگامی که شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانه مسکوت هستند، ارتباط مبتنی بر گفتگو و تعامل در بین اعضای خانواده بیشتر صورت می‌گیرد. چنین ارتباطی به اعضای این خانواده‌ها کمک می‌کند تا در جستجوی مشترک، خلاقانه و همدلانه و از روی دانایی برای فهم و شناخت محیط زندگی خویش تلاش کنند. اما با وارد شدن به این فضا وضعیت برعکس می‌شد فرصتی برای گذراندن اوقات فراغت و با هم بودن نداشتند، فردگرایی و انزواطلبی بیشتر می‌شد و خانواده تبدیل به واحدی فردی می‌شد که بین اعضای آن تعامل وجود ندارد. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ در این باره می‌گوید:

«خب قبل از اینکه با گوشی و کانال‌هایی مثل اینستا... خودمون رو مشغول کنیم طبیعتاً ارتباطات عاطفی و احساسی‌مون بیشتر بود، بیشتر با هم صحبت می‌کردیم، ولی وقتی که گوشی دست می‌گرفتیم چه من و چه همسرم واقعاً حرفی بینمون رد و بدل نمی‌شد. بخصوص همسرم که اصلاً خانوادگی کم حرفن...».

مشارکت‌کننده شماره ۴ در این باره می‌گوید:

«در مورد مشکلاتی که توی هر زندگی از جمله زندگی ما ممکن بود پیش بیاد بیشتر حرف می‌زدیم، به فکر راه چاره بودیم، مشورت می‌گرفتیم از خانواده‌ها و بستگان نزدیک...».

۵-۲-۲- عدم بحران در تمامیت نهاد خانواده

مقوله حاضر از زیر مقوله‌های پایبندی به ارزش‌های سنتی و احساس امنیت استخراج شده است. خانواده‌های امروزی به دلیل تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در بحران هستند. روابط خانوادگی ضعیف، ورود ارزش‌های مدرن به نهاد خانواده و... منجر به بحران در موجودیت نهاد خانواده شده است. با مطالعه مصاحبه‌های زنان مطلقه می‌توان چنین استنباط کرد که قبل از ورود شبکه اینستاگرام به درون خانواده، شاهد عدم بحران جدی به این نهاد هستیم. چرا که پایبندی به ارزش‌های سنتی بیشتر است، احساس امنیت (عدم ناراضی جنسی، زندگی بدون تنش، نبود ارتباطات خارج از چارچوب ازدواج و...) در خانواده بیشتر است و اینها باعث شده چالش‌ها درون نهاد خانواده نسبت به زمان استفاده افراطی از فضای اینستاگرام کمتر شود. ذکر این نکته لازم است که با توجه به صحبت‌های زنان، این امر نمی‌تواند به این معنا باشد که فضای مجازی تنها عامل اختلاف و بحران خانواده و در نهایت طلاق بین این زوجین بوده است. بلکه فضای مجازی و به طور خاص اینستاگرام و استفاده افراطی و بدون قاعده باعث شده مشکلات دو چندان شود. در حالی که قبل از استفاده از این فضا، این مشکلات در سطح حداقلی بوده است. مشارکت‌کننده شماره ۳ در این باره می‌گوید:

«از لحاظ ارتباط مستقیم و رو در رو، نسبت به قبل با دوستان و گروه‌های فامیلی ارتباط کمتر شده. قبلش واقعاً ارتباطات بیشتر بود. ارتباط مستقیم خیلی بهتره از همه لحاظ. مثلاً مشکلی در میان می‌داشتی و خواهر، برادر یا خیلی بهت کمک می‌کردن. وقتی میری مثلاً تو فضایی مثل واتساپ واقعاً فاصله‌ها زیاد میشه...».

مشارکت‌کننده شماره ۱۲ در این باره می‌گوید:

«وقتی از این فضا خبری نبود من یا همسرم وارد پیج‌ها و کانال‌های مختلف غیر اخلاقی نمی‌شدیم، عکس و فیلم‌های نامتعارف کمتر می‌دیدیم... اینکه خارج از چارچوب ازدواجت و به روش نامتعارف رابطه داشته باشی خیلی کمتر بود...».

۳-۵- تجربه زیسته روابط همسران بعد از استفاده از اینستاگرام

از دیدگاه زنان مطلقه، روابطشان با همسران بعد از استفاده و ورود به فضای اینستاگرام با ۴ مقوله «گسست از شبکه‌های خویشاوندی»، «مشکلات مربوط به عاملیت»، «نمایش مصرف» و «استحاله و تغییر نظام ارزشی» در ارتباط است که در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴- روابط زوجین بعد از استفاده از اینستاگرام

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد/مفهوم
گسست از شبکه‌های خویشاوندی	تضعیف سرمایه اجتماعی درون گروهی	افزایش فاصله با همسر (۷)
		بی‌اعتمادی (۳)
		کیفیت پایین ارتباط با همسر (۶)
		کیفیت پایین ارتباط با خویشاوندان (۵)
	خودمحوری	فرد محوری زیاد (۳)
		عدم تمایل به مشورت (۲)
مشکلات مربوط به عاملیت	آسیب شخصیتی	وابستگی شدید (۴)
		تأثیر بر شخصیت (۶)
	تضعیف سلامت	کم شدن توان جسمی (۲)
		کم شدن توان روحی همسر (۲)
نمایش مصرف	مصرف نمایشی	مشاهده زندگی‌های دیگران (۵)
		به اشتراک گذاشتن زندگی شخصی (۲)
	اشاعه فرهنگ مصرفی	تجمل‌گرایی (۲)
		نمایش کالا (مصرف) (۳)
		نمایش لباس (۲)
استحاله و تغییر نظام ارزشی	تغییر ارزش‌های خانوادگی	تصمیم‌گیری‌های احساسی و نه عقلی (۲)
		کمرنگ کردن نقش بزرگ‌سالان در حل اختلافات (۲)
		عدم تمایل به داشتن فرزند (۲)

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کد/مفهوم
استحاله و تغییر نظام ارزشی	خروج از مرزهای زناشویی	تنوع طلبی (۵)
		ارتباط با جنس مخالف (۱۰)
	زیست مجازی	اتلاف وقت (۷)
		هزینه بالای اینترنت (۲)
		تعادل برقرار نکردن بین فعالیت اینترنتی و خانواده (۴)
	تغییر در توقعات	توقعات بی جا در زمینه ارتباطات اجتماعی (۲)
		توقعات بی جا در زمینه ارتباطات جنسی (۲)
	مدیریت بدن	تغییر در وضعیت چهره (۲)
		تغییر در وضعیت پوشش (۲)

۵-۳-۱- گسست از شبکه خویشاوندی

این مقوله از زیر مقوله‌های تضعیف سرمایه اجتماعی درون گروهی و خود محوری استخراج شده است. سرمایه اجتماعی شامل دارایی‌هایی است که در زندگی روزانه افراد وجود دارد مانند حس تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی و روابط اجتماعی بین افراد و خانواده‌هایی که یک واحد را تشکیل می‌دهند. می‌توان این‌طور گفت عضویت مشترک اعضا (در اینجا اعضای یک خانواده) می‌تواند منتهی به منافع ناشی از اهداف مشترک شده؛ حمایت‌ها، پیوندها و پشتیبانی‌ها از درون و بیرون آن خانواده را در پی داشته باشد. در واقع خانواده نقش پر رنگی در ایجاد این سرمایه می‌تواند داشته باشد. اما با ورود فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در این خانواده‌ها، ارزش‌های خانواده تحت تأثیر قرار گرفته و موجب تغییراتی در رفتار و گفتمان اعضای این خانواده‌ها شده است. افراد در این خانواده‌ها بخش زیادی از وقت خود را در دنیای مجازی سپری می‌کنند. از دید زنان چه بسا ساعت‌های طولانی در منزل حضور فیزیکی داشته‌اند ولی حضور وجودی نداشته‌اند. این امر زمینه‌ساز کاهش تعاملات خانوادگی، بی‌اعتمادی و فرسایش سرمایه اجتماعی درون گروهی، خودمحوری در این خانواده‌ها شده است. به عبارتی ارتباط و پیوستگی قوی این خانواده‌ها با دیگران (در اینجا خویشاوندان) به سستی گراییده و به سمت تنهایی، انزوا و یک دنیای فردی شده سوق پیدا کرده‌اند و در نتیجه حمایت‌های اجتماعی کمتری از بستگان خود دریافت کرده‌اند. شرکت کننده شماره ۱۲ در این باره می‌گوید:

«الان به واسطه این فضاها مجازی واقعاً ارتباطات کم‌رنگ شده، شب‌نشینی‌ها کمتر شده، تفریحات و اوقات فراغت خیلی کم شده، دورادور و از طریق همین فضا و در گروه‌های مختلف افراد با هم در ارتباطن. خب این یعنی ی ارتباط سطحی که دیگه بزرگ‌ترها نقششون کم‌رنگ شده تو این زندگی‌های جدید. تو زندگی ما هم همین‌طوری بود بعضاً اصلاً خبری از نزدیکانمون نداشتیم...».

مشارکت‌کننده شماره ۱۴ در این باره می‌گوید:

«همسرم به همه بدبین شده می‌گه چون من از طریق فضای مجازی باهات آشنا شدم حتماً با کسی دیگه هم دوست هستی. مدام گوشیم چک می‌کرد. چت هام رو چک می‌کرد. حتی اگه خریدی تو اینستا می‌خواستم سفارش بدم همش ترس و لرز این رو داشتم که فروشنده اون محصول آقا نباشه چون دعوا و تنش بین ما شروع می‌شد دیگه...».

۵-۳-۲- مشکلات مربوط به عاملیت

این مقوله از زیر مقوله‌های آسیب شخصیتی و تضعیف سلامت به دست آمده است. از دید زنان استفاده افراطی از فضای مجازی و به‌طور خاص اینستاگرام، علاوه بر آسیب‌های خانوادگی، منجر به آسیب‌های مفرط فردی و روانی نیز شده است. از آنجایی که به خصوص در فضایی مانند اینستاگرام همیشه در حال دیدن بخش‌های مثبت و ایدئال زندگی دیگران هستند و با توجه به مقایسه‌هایی که در این زمینه بین خود و دیگری انجام می‌دهد بیشتر دچار غم، ناامیدی و افسردگی و مشکلات شخصیتی شده‌اند. وابستگی افراطی به این فضا نیز مشکلات فردی بسیاری را به همراه داشته است. آسان بودن و تنوع و جذابیت بالای این شبکه باعث شده که هم زنان و هم همسرانشان زمان قابل توجهی از اوقات روزانه‌شان را در این فضا سپری کنند و به نوعی اعتیاد و وابستگی به این فضا اذعان کرده‌اند. بسیاری از زنان نیز در صحبت‌های خود به این امر اشاره کرده‌اند که در بسیاری مواقع شب‌ها تا صبح را با اینترنت و فضای اینستاگرام گذرانده‌اند که این مسئله باعث اختلال در خواب و کاهش توان جسمی و روحی آنها برای فعالیت‌های روزانه‌شان شده است. یک نفر از شرکت‌کنندگان خانه‌دار در این باره می‌گویند:

«از نظر روحی روانی مشکلات زیادی به وجود می‌آوره این شبکه‌های مجازی، همسرم وقتی از این فضا استفاده می‌کرد تو خورد و خوراکش تو خوابش واقعاً تأثیر می‌داشت. بعضی صبح‌ها که اصلاً نا نداشت پاشه بره سر کار. سر اون کلی با هم دعوامون می‌شد...».

مشارکت‌کننده شماره ۱۳ در این باره می‌گوید:

«بعد از دو سه ساعتی که همسرم تو این فضاها بود انگار رو ذهن و روانش تأثیر می‌داشت. خشن می‌شد جرأت نداشتیم من و پسرم باهاش حرف بزیم زود از کوره در می‌رفت...».

۵-۳-۳- نمایش مصرف

بصری شدن نشانه‌ها و نمادهای منزلتی در زندگی باعث می‌شود که سبک زندگی با زیبایی‌شناختی کردن مصرف همراه شود. اشیا باید به نمایش گذاشته شوند تا برای فرد منزلت آفرینی کنند. این فراتر از مصرف صرف یک شی است. نمایش مصرف در این پژوهش و از دیدگاه زنان مطلقه در زیر مضمون‌های مصرف نمایشی و اشاعه فرهنگ مصرفی دسته‌بندی شده است. در اینجا می‌توان گفت مفهوم خود و نمایش خود مهم است. چرا که «خود»، در جریان عمل و در تعامل با دیگران پیوسته تولید و بازتولید می‌شود. با تجمل‌گرایی، با نمایش کالا، با نمایش لباس، با به اشتراک گذاشتن زندگی شخصی، و با مشاهده زندگی‌های دیگران به ویژه بلاگرهای معروف، می‌توان خود را از دیگران متمایز کرد و یک هویت جدید برای خود ساخت. مصرف‌گرایی و نمایش مصرف، از دید زنان می‌تواند به عنوان مهم‌ترین معیار ارزشی مطرح شود. تعداد زیاد بلاگرها و صفحات مد، زیبایی در شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث شده زنان به این شبکه‌ها ترغیب شوند. مشارکت‌کننده شماره ۶ در این باره می‌گوید:

«تا بگو مگوی بینمون اتفاق می‌وفتاد یه پست یا استوری تو اینستا می‌داشت دیگه کل فامیل اطلاع پیدا می‌کردن. انگار کمبود داشت. جو گیر می‌شد و احساسی عمل می‌کرد. منم غروری داشتم دیگه. به جای اینکه این همه دنبال متن و عکس برا این چیزا بگرده اگه میومد با من صحبت می‌کرد خیلی از سوء تفاهما برطرف می‌شد...».

مشارکت‌کننده شماره ۸ در این باره می‌گوید:

«دوست داشتم تو این فضا باشم چیزای لوکسی که می‌خریم نشون بدم، مسافرت که میریم نشون بدم ولی اون مخالف این چیزا بود...».

۵-۳-۴- شبکه‌های مجازی به مثابه استحاله نظام ارزشی

از دید زنان مطلقه، ورود تکنولوژی و انواع شبکه‌های اجتماعی مجازی و به طور خاص اینستاگرام در خانواده‌هایشان بسیاری از ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار داده و شاهد تغییراتی در این امور هستند. تغییر ارزش‌های خانوادگی، خروج از مرزهای زناشویی،

زیست مجازی، تغییر در توقعات، مدیریت بدن از جمله زیر مضمون‌هایی است که زنان مطلقه به آنها اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال پوشش، آرایش در جامعه ما موضوعی فردی و شخصی محسوب نمی‌شود بلکه هنجارها و مقررات رسمی جامعه، آن را به امری اجتماعی تبدیل کرده است. یکی از مواردی که زمینه اختلاف و ناسازگاری در روابط بین همسران را افزایش داده است تغییراتی است که در وضعیت چهره، بدن، پوشش بعد از رؤیت این شبکه‌ها در افراد (به ویژه زنان) ایجاد شده است. زیست مجازی در این پژوهش حاوی هنجارها و قواعد رواج یافته هستند که از طریق تکرار و تکثیر کنش کاربران، الگوهای نوین را شکل می‌دهند. این فضا نوعی وابستگی فکری و روانی برای این افراد ایجاد کرده که قادر به بیرون آمدن از این فضا نیستند. اغلب سرگرمی‌ها و اوقات فراغت از دید مشارکت‌کنندگان پژوهش در این فضا سپری می‌شود. مشارکت‌کننده شماره ۲ در این باره می‌گوید:

«همین که روابط افراد دیگر را می‌دیدم دوست داشتم من هم این جور روابط را تجربه کنم. این افراد که میگم منظورم خلیاس. مثلاً من پیچ اکثر بازیگران هالیوودی رو داشتم همیشه دنبالشون می‌کردم. پیچ خیلی از بلاگرای ایرانی مقیم او نور هم دارم. خیلی الگو می‌گرفتم ازشون. از طرز پوشیدن لباس و مارک و... بگیر تا غذاخوردنشون. خود من یادمه چندین سال قبل واقعاً آدم قانعی بودم. چیزهای خیلی کوچیک هم خیلی منو شاد و خوشحال می‌کرد. ولی این مدت به خصوص با ورود به اینستاگرام دیگه قناعت گذشته رو ندارم، طرز تفکرم تغییر کرده و همیشه احساس نارضایتی و شکایت دارم...».

مشارکت‌کننده شماره ۴ در این باره می‌گوید:

«با دیدن خیلی از بلاگرا، مدلینگ‌ها و... خیلی وضعیت پوشش، آرایش، چهره‌ام (عمل زیبایی) نسبت به دوران مجردی فرق کرد و همسرم هم اتفاقاً مدام گلایه داشت و شاکی بود. رفتم عمل لیپوساکشن برا از بین بردن چربی‌های شکم هم انجام دادم که دیگه به بچه‌دار شدن هم فکر نکنم چون واقعاً دوران مجردی اصلاً شکم نداشتم اینجا داغون شده بودم...».

بحث و نتیجه‌گیری

هایدمان^۱ پژوهشگر آلمانی در حوزه شبکه‌های اجتماعی مجازی معتقد است که شبکه‌های اجتماعی مجازی گونه‌ای از الگوهای تماس هستند که در آنها تعامل‌ها و ارتباطات بین عوامل شبکه‌ای توسط یک پایگاه فنی و زیرساخت اینترنت مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد. در این شبکه‌ها هدف، علاقه یا نیاز مشترک می‌تواند عنصری پیونددهنده باشد که باعث می‌شود تا عوامل مرتبط حتی بدون حضور فیزیکی احساس کنند که در یک اجتماع و جمع حقیقی قرار گرفته‌اند (Heide-mann, 2010: 2-3). بدین ترتیب، هدف اصلی از پژوهش حاضر درک و تعریف زنان مطلقه از شبکه اجتماعی اینستاگرام در شهر ایلام است. بدین منظور چند سؤال جزئی مدنظر محققین قرار گرفت و در ادامه به طرح این سؤالات، نتایج آنها و مقایسه با نتایج مطالعات پیشین و چارچوب مفهومی تحقیق خواهیم پرداخت.

در پاسخ به سؤال اول یعنی تعریف و تفسیر زنان از شبکه اینستاگرام، این تعاریف در قالب سه مقوله «شکل‌دهنده سبک زندگی نوین»، «فضای کژکارکرد» و «ابزار کرختی فرهنگی» دسته‌بندی شد. استفاده از شبکه اینستاگرام از دید زنان باعث ایجاد شکل جدید و نوینی از زندگی شده است که در آن انتخاب و آزادی افراد به صورت قابل توجهی افزایش پیدا کرده است، نحوه رابطه تعاملی افراد تغییر پیدا کرده و افراد محدود به مکان و زمان نیستند و ابزاری برای زیست مجازی هستند. به عبارتی استفاده از این شبکه‌ها در واقع مصرف توأمان زمان، فضا و محتوای نمادین هستند که هر سه از بنیان‌های سبک زندگی در دنیای کنونی‌اند. در این ارتباط پژوهش‌کنندگان (۱۳۹۳)؛ عباسی و جعفری (۱۳۹۹) نیز نشان می‌دهند بین حضور در شبکه‌های اجتماعی و گرایش به سبک زندگی مدرن ارتباط وجود دارد، هر چند در پژوهش‌کنندگان شبکه‌های مجازی و گرایش به سبک زندگی به عنوان متغیرهای مستقل و وابسته در نظر گرفته شده‌اند ولی در پژوهش حاضر ذهنیت زنان مطلقه در مورد شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر اینستاگرام مدنظر بوده است. شاید بتوان این‌طور گفت استفاده افراطی از فضای مجازی و به طور خاص شبکه اینستاگرام به شکل‌گیری عادت‌واره‌های مجازی در بین این افراد منجر شده است که ویژگی اصلی آن مصرف انبوه اطلاعات و نشانه‌هایی است که فاقد معنای تعالی‌بخش و در بسیاری موارد از دیدگاه زنان، کژکارکرد نیز بوده است. همان تعبیر معروف رسانه به مثابه چاقوی تیز را در اینجا نیز می‌توان به کار برد. استفاده از اینستاگرام به همان میزان که می‌تواند مفید باشد، بسیار خطرناک هم

نیز می‌تواند باشد. چنانچه این وسیله بدون آگاهی و به‌صورت مداوم و بدون محدودیت زمانی استفاده شود به ابزاری تبدیل می‌شود که انواع آسیب‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی را به دنبال خواهد داشت، کما اینکه زنان به این نکته اشاره کرده‌اند. وابستگی افراطی به این فضا هم در بین زنان و هم همسرانشان باعث شده که مقوله فضای کژکارکرد از این تحقیق استخراج شود. این نوع وابستگی باعث شده زندگی روزمره، کاری و خانوادگی این افراد با اختلال مواجه شود. در این ارتباط روجویی (۲۰۱۲)، گال و همکاران (۲۰۱۹)، صباغ و همکاران (۲۰۲۰)، جهاندار لشکری و همکاران (۲۰۲۰)، نیز به این نتیجه رسیدند رسانه‌های اجتماعی تأثیرات منفی بر زندگی زوجها دارند و زمینه‌ساز تعارضات زناشویی هستند. وکاسی و همکاران (۲۰۲۲) نیز به این نتیجه رسیده‌اند که اینستاگرام تأثیر منفی بر روابط عاشقانه خواهد داشت. همچنین این نتیجه مخالف با نتایج پژوهش فلاحی (۱۳۹۵) است که معتقد است افراد با حضور در این فضاها حمایت‌های نسبی به دست می‌آورند و از این رو کارکرد مثبت دارند.

از مقوله‌هایی که زنان در مورد تعریف فضای اینستاگرام به آن اشاره کرده‌اند، سستی و کرختی فرهنگی است. از دید زنان، شبکه‌های به مثابه ابزاری برای بحران هویت و سست شدن فرهنگ جامعه در نظر گرفته شده است. در واقع تفسیر زندگی با ورود این شبکه‌ها از دید زنان، ترکیبی از واقعیت و مجاز در کنار همدیگر است؛ یک واقعیت دورگه ایجاد شده است، زندگی در این شرایط به درجات مختلف بین واقعیت و مجاز در نوسان است؛ به گونه‌ای که حرکت به سمت مجاز، از جا‌کندگی زمان و مکان، بحران معنا، سیال شدن هویت را به دنبال دارد. این مقوله نیز بر اساس درک و تفسیر و تعریف زنان از شبکه مجازی اینستاگرام استخراج شده است که در نوع خود مقوله‌ای جدید از نگاه زنان مطلقه است. پژوهش گنجی (۱۳۹۴)، نشان می‌دهد اعتیاد به اینترنت منجر به اختلال و بحران هویت یا بحران هویتی خواهد شد. بحرانی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین مؤلفه‌های تبلیغات هدفمند اینترنتی، تبلیغات ضد دینی و القای شبهات و تأثیر منفی رفتاری و نقض حریم خصوصی افراد با میزان طلاق همبستگی دارد این نتیجه تا حدی با مقوله کرختی فرهنگی همسو است.

سؤال دوم تحقیق مربوط به این مهم بوده که روابط زن و شوهری در قبل از ورود به اینستاگرام چگونه بوده است؟ در این تحقیق و از دیدگاه زنان مطلقه، روابطشان با همسران قبل از استفاده و ورود به شبکه اجتماعی مجازی اینستاگرام، در قالب مقوله‌های «انسجام خانواده» و «عدم بحران در تمامیت نهاد خانواده» در ارتباط است. هابرماس معتقد است فضای اینترنت این امکان را فراهم کرده که افراد به شیوه عقلانی به بحث بپردازند و به توافق برسند. فضای اینترنت باعث

شده شرایط حوزه عمومی موردنظر هابرماس مهیا شود و کنش ارتباطی از طریق گفتگو تحقق شود. اما در جامعه ایلام و بر اساس صحبت‌های زنان، زمانی که از این فضا و شبکه اینستاگرام استفاده می‌شود، انسجام خانواده در معرض خطر قرار می‌گیرد و بحران در نهاد خانواده ایجاد می‌شود. در واقع در صورت عدم استفاده از این فضا، کنش‌های ارتباطی و تعاملی میان افراد شکل می‌گیرد و اتفاقاً محیط‌های تعاملی خانوادگی است که شرایط آرمانی سخن را ایجاد می‌کنند نه فضای مجازی و اینترنت. در نبود فضای مجازی و به‌طور خاص اینستاگرام است که تمامیت نهاد خانواده در تعادل نسبی قرار می‌گیرد، ارتباط مؤثر و گفتگو بین اعضای خانواده شکل می‌گیرد، خانواده کارکردهایش را انجام می‌دهد، احساس امنیت در این نهاد وجود دارد، روابط و نقش‌ها در جای خود قرار دارد و به نوعی تعادل و توازن در نهاد خانواده دیده می‌شود. بدین ترتیب این مقوله با تحلیل هابرماسی همخوانی ندارد. حسنونند (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که عدم عضویت در شبکه‌های اجتماعی و گرایش به ارزش‌های سنتی همبستگی مثبتی با همدیگر دارند. ون لی و همکاران (۲۰۱۳) نیز به این نتیجه رسیده‌اند اعتیاد به اینترنت سبب ایجاد خانواده‌های نامنسجم و ناسازگار می‌شود.

و بالاخره در سؤال نهایی به دنبال این بوده‌ایم که روابط زوجین بعد از استفاده از شبکه مجازی اینستاگرام چگونه بوده است. جامعه ایلامی جامعه‌ای در حال گذر از ساختارهای سنتی است در نتیجه ابهامات زیادی در فضای اجتماعی برای افراد مطرح و ایجاد می‌شود. این ابهام در دوره‌ای تشدید می‌شود که افراد در حال رها کردن وابستگی‌های خود به ارزش‌ها و جهان‌بینی سنتی و انطباق با چارچوب‌های مدرن هستند. در این چارچوب و برای افراد این خانواده‌ها (به ویژه زنان)، شبکه‌های مجازی بسته‌های اطلاعاتی شفاف و استاندارد ارائه می‌دهد که از طریق آن، فرایند مواجهه با ابهامات را کنترل می‌کنند. همچنین بر اساس مفهوم وابستگی دی فلور و روکیج، نگرش‌های بسیاری از افراد در جوامع در حال گذار تحت تأثیر رسانه‌ها قرار می‌گیرند. این تغییرات نگرشی و ارزشی در صحبت‌های نمونه‌های تحقیق نیز کاملاً مشهود است. بسیاری از این شبکه‌ها از جمله اینستاگرام ابزاری برای تغییر ارزش‌های سنتی در درون خانواده‌ها در نظر گرفته شده‌اند. بی‌تفاوتی و حساسیت‌زدایی در همسران ایجاد کرده است، فضا و واکنش خشونت‌آمیز در خانواده ایجاد کرده است. نمایش مصرف و استحاله نظام ارزشی از مقوله‌های مهم در تحقیق حاضر هستند که می‌توان آن را با مفاهیم کاستلز و اینگلهارت در زمینه جامعه شبکه‌ای و تغییر ارزش‌ها مقایسه کرد. چرا که کاستلز معتقد است تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی با فراهم آوردن امکان پیدایی جامعه شبکه‌ای که افراد و جوامع را در قالب‌های تازه هویت بخشیده، نه تنها قواعد و قوانین

حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسان‌ها بلکه ایستار ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است. از آنجا که جوامع و فرهنگ‌ها بر فرایندهای ارتباطی وابسته هستند و همه اشکال ارتباط بر مبنای تولید و مصرف نشانه‌ها استوارند؛ هیچ جدایی بین واقعیت و نمایش نمادین وجود ندارد و ویژگی مهم جامعه شبکه‌ای کاستلز نیز نه القای واقعیت مجازی بلکه ایجاد مجاز واقعی است. این جامعه شبکه‌ای تمام دامنه‌های زندگی اجتماعی را در بر گرفته و سبب تغییرات گسترده در نظام ارزشی خانواده‌ها و به‌طور کلی سبک زندگی این افراد شده است. زنان و همسران به‌واسطه این شبکه‌ها با مخاطبان گوناگونی سر و کار دارند و مجموعه‌های گسترده‌ای از حیث محتوای نمادین در اختیارشان قرار می‌دهند. این شبکه‌ها معنای همه‌چیز و هر چیز را مورد بازاندیشی قرار داده و ارزش‌های جدیدی برای این خانواده‌ها و به‌طور خاص زنان ایجاد کرده است. اینگلههارت نیز اشاعه رسانه‌های جمعی و جهانی‌شدن ارتباطات را عامل تغییر ارزش‌ها می‌داند. مصرف‌نمایشی، اشاعه فرهنگ مصرفی، تغییر ارزش‌های خانوادگی، خروج از مرزهای زناشویی، مدیریت بدن از نموده‌های تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تغییر رفتارها و ارزش‌ها زنان و خانواده‌ها و عدم پایبندی به سنت‌های کهنه و خانوادگی است. مقوله ساختارشکن نیز با مفهوم تغییرات ارزشی اینگلههارت قرابت معنایی دارد. در این ارتباط گیدنز نیز معتقد است اینترنت قلب تپنده انقلاب ارتباطی است و با گسترش این فناوری، این امکان وجود دارد که تمایزهای سنتی از میان برداشته شود، زمان و مکان حذف شود، درک افراد از روابط تغییر کند و اطلاعات و افکاری در جامعه منتشر شود که تنها بازتابی از جهان اجتماعی نیست بلکه یکی از عوامل و نیروهای مؤثر در شکل‌دهی به یک جهان اجتماعی است. زنان در این تحقیق نیز به دلیل استفاده و مصرف این شبکه‌ها، گویی در یک جهان اجتماعی جدید سیر می‌کنند. بدین ترتیب اگر ارزش‌های خانواده را کیفیت‌هایی بدانیم که هسته خانواده را تعریف و پیوند بین اعضای خانواده را تضمین می‌کند از دید زنان با دگرگونی و تغییر این ارزش‌ها مواجه‌ایم.

در پژوهش حاضر و بر اساس صحبت‌های زنان مطلقه می‌توان به این نتیجه رسید که شبکه مجازی اینستاگرام در بروز ناراضی‌های زناشویی نقش داشته‌اند. جامعه و فرهنگ ایلامی و به تبع آن افراد در نهاد خانواده تحت تأثیر این تکنولوژی ارتباطی قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مجازی و در اینجا اینستاگرام را نمی‌توان ذاتاً بد یا خوب تفسیر کرد، بلکه تأثیر آن بر زندگی خصوصی و اجتماعی افراد بستگی به میزان و زمان استفاده از آن دارد چرا که همان‌طور که نتایج و صحبت‌های زنان نیز نشان می‌دهد استفاده افراطی و به نوعی اعتیاد به این فضا در تغییر و گسست مناسبات بین اعضای این خانواده‌ها مؤثر بوده است. اگر زمینه و بستری فراهم

شود که اعضای خانواده بتوانند نحوه استفاده از این فضاها را برای تقویت انسجام و پیوندهای خانوادگی خود دریابند، نتایج مثبتی را نیز به دنبال خواهد داشت اما استفاده‌های غیرتعاملی از این فضا بستر طرد و انزوای اجتماعی افراد را در خانواده و جامعه به وجود آورده است. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی نگرش و درک مردان نیز در خانواده‌ها در این زمینه مورد مطالعه قرار گیرد؛ با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود مدیریت زمان در استفاده از این شبکه در بین خانواده‌ها مورد تأکید قرار گیرد. بالا بردن سطح سواد رسانه‌ای در خانواده‌های ایلامی مورد توجه متولیان امر قرار گیرد. آنچه مهم است فردی که از این سواد برخوردار است، علاوه بر خواندن و نوشتن سنتی، بایستی خوانشی فردی از انبوه محتوا و پیام‌های رسانه‌ای در جهان ارتباطی داشته باشد و این محتوا و پیام‌ها را ارزیابی و تحلیل کند و در آخر آنها را انتخاب کند. آموزش در اینجا یعنی در مخاطب، شک انتقادی در پیام‌های رسانه و در اینجا شبکه اینستاگرام ایجاد کنیم که این امر از طریق مهارت تفکر انتقادی امکان‌پذیر است.



منابع

- ◀ آبچر، حسین (۱۳۹۶). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تعارضات زناشویی (با تأکید بر تلگرام و اینستاگرام). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ◀ آقابابایی، فاطمه (۱۳۹۹). نقش شبکه‌های اجتماعی در فرهنگ‌سازی اعتماد. تهران: آفتاب اندیشه.
- ◀ بحرانی، عبدالله (۱۳۹۸). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر میزان طلاق در شهرستان شادگان، راهبردهای نو در روانشناسی و علوم تربیتی، ۱(۱)، ۷۰-۵۸.
- ◀ حجتی حدیثه، متولیان، سیده صباح (۱۳۹۸). تأملی نظری و مفهومی در رابطه‌ی بین سبک زندگی و شبکه‌های اجتماعی. ماهواره و رسانه‌های جدید، (۲۱)، ۱۳۳-۱۶۰.
- ◀ حریری، نجلا (۱۳۹۰). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی: واحد علوم و تحقیقات.
- ◀ حسونند، مسعود (۱۳۹۳). تأثیر شبکه‌های اجتماعی در بروز پدیده‌ی طلاق. سایت تدبیر.
- ◀ رنجبر، هادی و همکاران (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. دانشگاه علوم پزشکی، ۱۰(۳)، ۲۳۸-۲۵۰.
- ◀ سیگارودی، عبدالحسین، دهقان نیری، ناهید، رهنورد، زهرا، و سعید، علی نوری (۱۳۹۱)، روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، پرستاری و مامایی جامع‌نگر. ۲۲(۶۸)، ۵۶-۶۳.
- ◀ فلاحی، علی (۱۳۹۵). تحلیل کیفی و کمی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در ساختار خانواده، فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده (فرهنگی- دفاعی زنان و خانواده سابق). ۱۱(۳۵)، ۱۵۱-۱۷۰.
- ◀ شیری، طهمورث، و رحمانی، الناز (۱۳۹۴). تأثیر استفاده از وسایل نوین ارتباطی (لاین، تلگرام) بر وضعیت انسجام خانواده. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۸(۳)، ۹۹-۱۱۲.
- ◀ عباسی، عاطفه، و جعفری، علی (۱۳۹۹). تأثیر کنش‌های اینستاگرامی سلبریتی‌ها بر سبک زندگی کاربران ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۷(۱)، ۳۳-۵۴.
- ◀ قربانی، عزیزالله (۱۳۹۵). فضای مجازی و خانواده (فرصت‌ها، آسیب‌ها، راهکارها). تهران: انتشارات سنجش و دانش.
- ◀ کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر ارتباطات، ظهور جامعه شبکه‌ای. ترجمه علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- ◀ کوهن، البرت (۱۳۷۸). تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی. ترجمه علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- ◀ گنجی، محمد، نیازی، محسن، و ملک پور شهرکی، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر ازهم‌گسیختگی خانوادگی در شهرکرد. مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران، ۴(۱)، ۱۶۷-۱۹۴.
- ◀ گونتر، بری، و مک آلر، جیل (۱۳۸۴). کودک و تلویزیون. ترجمه نصرت فتی، تهران: سروش.

- ◀ مارکوزه، هربرت (۱۴۰۰). انسان تک ساحتی: مطالعاتی در ایدئولوژی جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی. ترجمه وحید اسلام زاده، تهران: اندیشه احسان.
- ◀ محمدپور، احمد و همکاران (۱۳۸۹). تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی در کردستان ایران. دانشگاه علوم پزشکی کرمان، (۴)، ۱۵۶-۱۳۱.
- ◀ محمدی، جمال و همکاران (۱۳۹۹). مصرف ایماژهای بدن در میان کاربران اینستاگرام در شهر سنندج، جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر. ۲(۳). ۱۱۵-۱۴۱.
- ◀ هابرماس، یورگن (۱۴۰۰). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی. ترجمه جمال محمدی، تهران: افکار.
- ▶ Boyd, D. M. & Ellison, N. B. (2014). "Social network sites: definition, history, and scholarship", *Journal of Computer-Mediated communication*, 13 1: 210-230.
- ▶ Fejes-Vékássy, L. Ujhelyi, A. & Faragó, L. (2020). *From Relationship Goals to Heartbreak—We use Instagram differently in various romantic relationship statuses*. *Current Psychology*, 1-13.
- ▶ Gull, H. Iqbal, S. Z. Al-Qahtani, S. Alassaf, R. A. & Kamaleldin, M. M. (2019). Impact of social media usage on married couple behavior a pilot study in Middle East. *International Journal of Applied Engineering Research*, 14(6), 1368-1378.
- ▶ Heidemann, julia. (2010). *Online Social Networks. Ein sozialer und technischer ubeerblick*. Rtrived from www.uni-augsburg.de/exzellenz/.../wi-272.
- ▶ Inglehart Ronald, Christian. Welzel. (2007). *Modernization, Cultural Change, And Democracy. The Human Development Sequence*. Cambridge University Press.
- ▶ Jahandar Lashki, S. Hosseini, S. S. & Kakabarayi, K. (2020). Developing a Structural Model to Predict the Attitude towards Infidelity based on Media Consumption and Mediators of Inefficient Attitudes, Marital Conflicts, and Sexual Satisfaction. *International Journal of Psychology (IPA)*, 14(2), 158-184 Rujoiu.
- ▶ M. (2012). "The influence of social network on attitude toward conflict in couple". (PhD Thesis) Babe-Bolyai University.
- ▶ Sabbagh, Z. Salehzadeh, M. & Zareei, H. (2020). Marital burnout and dependence on virtual social networks: Difference between women and men. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 22, 361-399.